



عکس: AP

طوفان الاقصی بسترساز همگرایی امت اسلام در مسیر شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی

تحلیل

دکتر محمد رضا غلامرضا



جمهوری

اسلامی ایران

به‌رغم آنکه

برابر مسئولیت

اسلامی -

انسانی در

مواقع و شرایط

حساس،

سرنوشت‌ساز

و تهدیدآفرین

برای جوامع

و ملت‌های

منطقه و جهان

به‌خصوص

در پرونده

فلسطین

و مبارزه با

تروریسم و

تکفیر از هیچ

کوششی

فروگذار نکرده

است؛ اما به

علت فقدان

روایتگری

مناسب در

این عرصه و

ضعف رسانه‌های

از یک سو و

حجم گسترده

عملیات روانی

دشمن علیه

جمهوری

اسلامی با اتکا

بر گفتمان

ایران هراسی

از سوی دیگر،

مانع تحقق

فهم مشترک

از تهدیدات

بشری و

هدف بزرگ

وحدت میان

مسلمانان و

آزادبخوانان

شده است



برش

سخن پایانی:

پیروزی مقاومت در مقابل جریان خطرناک و شوم تروریسم و تکفیر، شکست‌های بی‌دربی رژیم اشغالگر قدس از گروه‌های مقاومت در جنگ‌های ۳۳ روزه، ۲۲ روزه، ۵۱ روزه و... همچنین عملیات سیف‌القدس و امروز عملیات بزرگ و بی‌نظیر طوفان الاقصی افسانه‌شکست‌ناپذیری صهیونیست‌ها را از بین برده و هیمنه ارتش و دستگاه‌های جاسوسی این رژیم که از ارکان اصلی بقای آن می‌باشد را در هم شکسته و طرح‌های امریکایی را یکی پس از دیگری ناکام گذاشته است. مقاومت امروز، محبوب ملت‌های اسلامی و نسخه شفابخش دردها و آلام مردم منطقه و ایستادگی و مقابله با ظلم و ظالمان محسوب می‌شود. عملیات طوفان الاقصی عمق و دامنه نفوذ مقاومت و حامیان آن را بین ملت‌های اسلامی، بعضی از دول اسلامی، آزادی‌خواهان و افکار عمومی جهان و دشمنان به خوبی نشان داد و در دل و جان مسلمانان جای گرفت و اعتماد به نفس جوانان را ابشندت بالا برد. این موضوع رسالت جمهوری اسلامی را دو چندان می‌نماید. لذا برنامه‌ریزی و اقدام عاجل برابر محوره‌های ذیل می‌بایست در دستور کار قرار گیرد.

جمهوری اسلامی باید با همکاری کشورهای اسلامی، مجامع بین‌المللی و بسیج تمامی ظرفیت‌های جهان اسلام، نسبت به توقف جنایت‌های رژیم صهیونیستی اقدام نموده و کمک‌های انسان‌دوستانه را روانه غزه کند.

با اطلاع‌رسانی هدفمند و مستمر و توجیه افکار عمومی در داخل، کشورهای اسلامی و افکار عمومی دنیا و همچنین تلاش‌های سیاسی، از اجرایی شدن طرح‌های امریکایی- صهیونیستی برای چند تکه نمودن نوار غزه و کوچاندن مردم مظلوم و در عین حال قهرمان آن جلوگیری کرده و توطئه‌های آنها را عقیم گذارند و ضرورت وحدت و انسجام کشورهای اسلامی در مقابل دشمنان را خواستار شوند. در این رابطه دبیرخانه شورای عالی، وزارت خارجه، وزارت ارشاد از بُعد مطبوعات داخلی و رایزن‌های فرهنگی، مسئولیت مستقیم دارند.

دستگاه دیپلماسی و وظایف سنگینی از جمله موارد زیر را بر عهده دارد:

۱. در قضیه فلسطین و تحولات آن چهارچوب دقیقی برای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی تعیین کرده و هر کدام از سفرای ایران، سفیران و رایوان مظلومیت ملت فلسطین و جنایت‌های رژیم صهیونیستی با همدستی امریکا و بعضی از کشورهای اروپایی باشند و از سویی روی لزوم اتحاد و همبستگی کشورهای اسلامی تأکید ورزند.

چند قطب قدرت در هر بخشی از جهان، بر پایه نظریه‌های فکری یا منافع جمعی، نماینده تعدادی از واحدهای سیاسی محسوب می‌شوند؛ اما متأسفانه تنها کشورهای اسلامی هستند که هنوز نتوانسته‌اند حول محور یکی از قطب‌ها یا اصول مشترک، اتفاق نظر داشته باشند تا از منافع مسلمانان دفاع کنند و سازمان‌ها و اتحاد‌های موجود هم به دلایلی که بیان آن از حوصله نوشتار خارج است به مجموعه‌هایی کم‌اثر تبدیل شده و از طرفی مراجع سنتی جهان اسلام هم به حاشیه رانده شده‌اند. حال با توجه به رویکرد کلی دولت سیزدهم و اولویت قرار دادن گسترش روابط و تعاملات با کشورهای همسایه و اسلامی و همچنین تحولات این روزهای منطقه و فلسطین، فرصت بی‌ظنیری برای تحقق هدف بلند شکل‌گیری اتحاد میان توده‌ها یا محوریت ایران و مقاومت و توانمند شدن روز به روز این جبهه، فراهم شده است.

در این رابطه مجموعه محوره‌های ذیل به عنوان محتوای گفتمان همگرایی، اتحاد و انسجام منطقه‌ای تبیین و ارائه می‌شود.

رژیم صهیونیستی بقای خود را در وجود اختلاف واکرایی و عدم اتحاد و انسجام میان ملت‌ها و دولت‌های اسلامی و ایجاد هرج و مرج در فضای پیرامونی با اتکا بر نزاع‌های طایفه‌ای، قومی، مذهبی، نیابتی و تروریسم می‌داند و کشورهای اسلامی با غفلت از طرح‌های صهیونیست‌ها، سعی در عادی‌سازی رابطه با آن و فراموش‌سازی مسأله فلسطین دارند. مدیریت بی‌ثباتی در سطوح مختلف نظامی- امنیتی، اقتصادی و اجتماعی یکی از راهبردهای اصلی امریکا و رژیم صهیونیستی در قبال دولت‌هایی است که رویکرد ضد سیستمی (ضد سلطه و صهیونیسم) دارند.

نظریه «خاورمیانه جدید» برنارد لوئیس از مشهورترین نظریه‌پردازان یهودی که در دهه هشتاد میلادی مطرح و بعدها از سوی کاندولیزز رایس ارائه شد، بر تجزیه کشورهای پیرامونی رژیم صهیونیستی و ایجاد هرج و مرج (گسترش جنگ طایفه‌ای مدل جنگ مذهبی قرن شانزدهم میلادی) در محیط اطراف آن و از بین بردن وحدت امت اسلامی با هدف تثبیت هژمونی جهانی امریکا و تأمین امنیت رژیم صهیونیستی و توسعه طلبی‌های آن تأکید دارد. [۱]

بحران سوریه و عراق و ظهور پدیده شوم و خطرناک تکفیر، بخشی از توطئه‌های غرب و پروژه امریکا برای تولد خاورمیانه جدید بود که با وجود حمایت‌های فراوان واشنگتن و اعمار آن از تروریسم، اجرای این سناریو با محوریت جمهوری اسلامی و مجاهدت‌ها و جانفشانی‌های گروه‌های مقاومت ناکام ماند.

شده است.

(ب) اهمیت و ضرورت موضوع:

ضرورت‌های حکمرانی جهانی ایجاب می‌کند که میزان ریسک‌پذیری کشورهای مسلمان و مستقل به میزان قابل توجهی افزایش یابد. تحقق این امر نیازمند شکل خاصی از سازمان و ساختار قدرت در محیط پیرامونی و صحنه بین‌الملل خواهد بود؛ روندی که بتواند زمینه‌های لازم برای کنترل محیط پیرامونی را بر اساس سازگاری‌های دینی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فراهم سازد.

کشورهایی که از انگیزه و قابلیت لازم برای اثرگذاری در محیط پیرامونی برخوردارند، باید زمینه نقش‌یابی مؤثرتری در محیط (ژئوپلیتیک-جغرافیا) را فراهم آورند. دستیابی به این هدف نیازمند شکل خاصی از «سرمایه اجتماعی» است که از طریق تعاملات ائتلاف‌ساز در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری «دولت- ملت‌ها» (ساخت سیاسی) محقق می‌شود. امروزه چنین فرآیندی به عنوان واقعیت اجتناب‌ناپذیر حکمرانی جهانی به حساب می‌آید. در نظام بین‌الملل که تقسیم‌بندی‌های قدرت‌ها در چهارچوب خواست و تمحیل نظام سلطه به سرکردگی امریکا صورت می‌گرفت از تک‌قطبی در آستانه دنیای چندقطبی قرار گرفته است و یک یا

می‌کند، بالطبع جمهوری اسلامی ایران مسیر حرکت خود را در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی بر همین اساس ترسیم کرده است که حاصل آن خنثی‌سازی طرح خاورمیانه بزرگ، حفظ تمامیت ارضی کشورهای منطقه و ممانعت از تغییر ژئوپلیتیک و مرزهای دولت‌ها در منطقه بوده است؛ واقعیتی که هیچ‌گاه دقیق و صحیح تبیین و روایتگری نشد و امروز در ادبیات سیاسی رایج و مفهوم‌سازی از سوی دشمنان به عنوان نفوذ منطقه‌ای به معنای دخالت در امور داخلی کشورها، بیان می‌شود. به تعبیری ساده‌تر جمهوری اسلامی و مقاومت باوجود آنکه با جانفشانی و هزینه‌کرد مادی و معنوی در سایه تحریم و محاصره و فشارهای اقتصادی، از فروپاشی و تجزیه کشورهای اسلامی ممانعت به عمل آوردند و طرح‌های تجزیه‌طلبانه منطقه‌ای را خنثی نمودند اما ناجوانمردانه از ناحیه کشورهای استکباری و عمال آنها، آماج حملات و متهم به دخالت در امور داخلی سایر کشورها می‌شوند.

یکی از پیامدهای نرم جریان تروریسم و تکفیر در جامعه اسلامی، ارائه تصویری خشن از اسلام و تلاش برای اسلام‌گریزی در میان جوانان و نسل آینده، بی‌اعتمادی به رهبران دینی و افزایش نقش و جایگاه چهره‌های سکولار و دستگاه‌های اطلاعاتی غربی در مدیریت جوامع اسلامی بود که می‌بایست ضمن برنامه‌ریزی و گسترش روابط میان رهبران دینی، به ترویج مبانی و اصول اسلام اصیل و مقابله با افکار انحرافی به منظور افزایش میل و گرایش حداکثری به اسلام و اعتقادات دینی، مبادرت ورزید.

منابع مؤلف قدرت نرم منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در سه سطح فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست‌خارجی برپایه آموزه‌های اسلام لایه‌بندی می‌شود و رفتارها و کنش‌های غیرمنفعت‌محورانه ایران در ارتباط با کشورهای همپیمان منجر به ارتقای وجهه و در نتیجه افزایش قدرت نرم آن در جوامع مخاطب گردیده است.

قدرت نرم جمهوری اسلامی در منطقه، از یک ماهیت گفتمانی برخوردار بوده و با سلطه‌طلبی غربی متفاوت است و دارای سه وجه مکمل می‌باشد. وجه نخست، فرهنگ دینی با تأکید بر وحدت شیعه و سنی و برهیز از طایفه‌گرایی است که میان ایران و مردم منطقه، نوعی همبستگی را به وجود می‌آورد. وجه دوم، فرهنگ سیاسی و الگوی مردم‌سالاری دینی است که به‌عنوان الگوی بومی، در مقابل الگوی لیبرال-دموکراسی غربی، مطرح شده است. وجه سوم، استکبارستیزی جمهوری اسلامی ایران در کنار به رسمیت نشناختن رژیم صهیونیستی است؛ گفتمانی که بیشترین طرفدار را در میان توده‌های محروم منطقه غرب آسیا دارد.

با انجام عملیات طوفان الاقصی و دستاوردهای بی‌سابقه آن و جنایت‌های بی‌شرمانه صهیونیست‌ها علیه مردم غزه خصوصاً زنان و کودکان بی‌فدای آن، دفاع که وجدان جهانیان را جریحه‌دار کرده است و احتمال شکست توطئه طرح موسوم به ابراهیم و عادی‌سازی روابط رژیم اشغالگر قدس و کشورهای اسلامی، فرصت مغتنمی برای شکل‌گیری اتحاد و حرکت به سمت انسجام اسلامی و بسترسازیم به منظور تشکیل محور مقاومت اقتصادی فراهم می‌شود. طرح چنین ایده‌ای از سوی جمهوری اسلامی و برداشتن گام‌های عملی در این رابطه، می‌تواند به پیوند و درهم‌تنیدگی اقتصادی میان کشورهای اسلامی و منطقه و همچنین تشکیل قطب بزرگ اقتصادی منجر گردد؛ دستاورد حداثی این راهبرد شکست سلاح تحریم غرب علیه ایران و همپیمانان مقاومت و گسترش مناسبات اقتصادی منطقه‌ای است. کشورهای اسلامی می‌بایست روی اصول و ارزش‌ها، حقوق و منافع مردم خود و حقوق ملت‌ها و امنیت منطقه ایستادگی کرده و همبستگی خود را حفظ کنند. وحدت، برادری و همدلی بین مسلمانان یکی از ارزش‌های بسیار مهم کشورهای اسلامی منطقه و از منابع اقتدار این کشورهاست.

هم‌گرایی میان ملت‌ها و دولت‌های اسلامی در حوزه‌های مختلف، نه‌تنها زمینه را برای تشکیل همبستگی هویتی فراهم خواهد کرد بلکه به تقابل در برابر دشمنان جهان اسلام منجر می‌گردد و منابع کشورهای اسلامی هزینه‌رشد و پیشرفت ملت‌ها شده و مانع از تضعیف هر چه بیشتر آنها در سطح ملی و فراملی خواهد شد.

اتحاد و انسجام امت اسلامی در کنار سازمان‌دهی و ساماندهی مادی و معنوی مسلمانان و تلاش جهت اتحاد کشورهای اسلامی و تشکیل قطب بزرگ اسلامی، زمینه را برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی در بلند مدت فراهم خواهد ساخت.

پاورقی:

[۱]. **به اعتقاد وی، با تجزیه کشورهای ایران، عراق، سوریه، ترکیه و عربستان سعودی، خاورمیانه جدید متشکل از کشورهای خواهد بود که دیگر توان تبدیل شدن به تهدید برای امنیت ملی و منافع منطقه‌ای امریکا و رژیم صهیونیستی را نخواهند داشت و به موازنه یکدیگر مشغول خواهند بود. وی با دوراهکار غربی‌سازی و تجزیه خاورمیانه بر اساس شاخص‌های مورد قبول غربی‌ها و نیز از جمله میهن‌پرستی و دموکراسی و نیز فراهم کردن شرایط استقرار و قدرت‌گیری رژیم صهیونیستی و یهودیان در خاورمیانه، قصد تجزیه منطقه و ایجاد توازن قوا در بین کشورهای مختلف و حتی ادیان اسلام، یهود و مسیحیت را داشته است.**



با انجام

عملیات

طوفان الاقصی

و دستاوردهای

بی‌سابقه آن

و جنایت‌های

بی‌شرمانه

صهیونیست‌ها

علیه مردم

غزه خصوصاً

زنان و کودکان

بی‌فدای

و وجدان

جهانیان را

جریحه‌دار

کرده است

و احتمال

شکست توطئه

طرح موسوم

به ابراهیم و

عادی‌سازی

روابط رژیم

اشغالگر قدس

و کشورهای

اسلامی،

فرصت

مغتنمی برای

شکل‌گیری

اتحاد و

حرکت به

سمت انسجام

اسلامی و

بسترسازیم به

منظور تشکیل

محور مقاومت

اقتصادی

فراهم می‌شود